



• نادره جلالی

ارسنجانى در آيينه زمان

مقدمه

اصلاحات اراضى يکى از وقايع مهمى بود که در عصر محمدرضا شاه پهلوى در ايران رخ داد و در زمان خود مباحث زيادى را بين روشنفکران و سياستمداران وقت به وجود آورد. دکتر حسن ارسنجانى از فعالين مهم اصلاحات ارضى بود که درباره شخصيت ونحوه عملکرد او نظرات گوناگونى ارائه شده است. بعضى او را وابسته به دول بيگانه قلمداد و برخى چهره اى مى از او ترسيم کرده اند. رجال سياسى وقت چون اسدالله علم، على امينى و قوام السلطنه که هر يک با او از نزديک همکارى داشته اند نيز نظرات مختلفى راجع به او بيان کرده اند.

کتاب ارسنجانى در آيينه زمان حاوى شرح زندگاني و عملکرد سياسى ارسنجانى، وزير کشاورزى دوران محمدرضا شاه پهلوى، از فعالين اصلاحات ارضى در ايران است که مؤلف در آن به چگونگى اصلاحات ارضى، تصويب قانون و اجرا و روند آن در ايران مى پردازد.

برای ديگران طلا» را مطرح کرد و پرده از چهره استعمار برداشت. به همين جهت روزنامه نويسان او را کارشناس نفت قلمداد کرده و به اولقب «حسن نفتى» دادند.

ارسنجانى در بحراني ترين ادوار سياسى کشور يعنى ۱۳۲۴ ش توسط صلاح الملک با قوام السلطنه، اين سياستمدار برجسته و کهنه کار ايران آشنا شد. او به حمايت از قوام السلطنه پرداخت. بر اثر حمايت ها و تلاش هاى او و عباس اسکندرى بود که قوام السلطنه به نخست وزيرى رسيد و سرانجام مسئله خود مختارى آذربايجان حل شد.

ارسنجانى در دوران نخست وزيرى سپهد حاج على رزم آرا (تير ۱۳۲۹ ش)

مشاور مخصوص او شد و طرح تأسيس شرکت هاى تعاونى را در روستاها به او پيشنهاده کرد تا از اين طريق منافع عايدات کشاورزى عايد خود رعيث شود. پيشنهاده ارسنجانى با استقبال رزم آرا روبه رو شد ولى با قتل او در ۲۶ اسفند ۱۳۲۴ ش. اجراى آن متوقف ماند. چون دکتر محمد مصدق در تير ۱۳۳۱ ش. استعفا داد و قوام السلطنه مأمور تشکيل دولت شد، ارسنجانى او را از پذيرفتن اين سمت برحذر داشت. چرا که قبول اين مسئوليت را در آن شرايط مخالفت با مصدق مى دانست. اما با اين وجود چون قوام السلطنه به نخست وزيرى رسيد، او را حمايت کرد و معاون سياسى و رئيس تبليغات او شد. در همين زمان مقاله معروف «کشتيبان را سياستى دگر آمد» را نوشت. به دنبال سقوط کابينه قوام و قيام

دکتر ارسنجانى در آيينه زمان



مهندس نورالدین ارسنجانى

■ ارسنجانى در آيينه زمان
■ تاليف: مهندس نورالدین ارسنجانى
■ ناشر: نشر قطره، تهران، ۱۳۷۹

زندگى سياسى دکتر ارسنجانى

حسن ارسنجانى پسر سيدمحمد حسين در ۱۳۰۰ هـ. ش. متولد شد. تحصيلات ابتدائى خود را در مدرسه پهلوى در خيابان رى گذراند. سپس به مدرسه سن لويى رفت. به زبان فرانسه تسلط داشت و در جوانى به ترجمه مقالات خارجى پرداخت. او در هفده سالگى کتاب نامه هاى ايرانى اثر منتسکيو را به زبان فارسى ترجمه و منتشر کرد. ارسنجانى تحصيلات عاليه خود را در رشته حقوق به پايان برد و موفق به

اخذ درجه ليسانس شد. مدتى رياست شرکت هاى تعاونى را در بانک کشاورزى برعهده داشت. فعاليت مطبوعاتى خود را از ۱۳۱۹ ش با روزنامه «تجدد ايران» آغاز کرد. اولين فعاليت سياسى او انتشار مقاله اى در روزنامه «نبرد» و با امضا و نام مستعار «دکتر داريا» بود. چندانى بعد در زمره طرفداران «حزب پيکار» در آمد و با روزنامه «مرد امروز» که ناشر افکار اين حزب بود، همکارى کرد. در ۱۳۲۳ ش. امتياز روزنامه «داريا» را گرفت و اولين شماره آن را در ۲۸ خرداد همان سال منتشر کرد. ارسنجانى در اين روزنامه به نوشتن مقالاتى به طرفدارى از طبقات کارگر و دهقان پرداخت. از شماره ۶ (۴ تير ۱۳۲۳ ش) شروع به نوشتن مقالاتى راجع به نفت کرد و آن را از بعد سياسى مورد بررسى قرار داد و مسئله «نفت براى ما بلا و

کتاب ارسنجانی در آئینه زمان حاوی شرح زندگانی و عملکرد سیاسی ارسنجانی، وزیر کشاورزی دوران محمدرضا شاه پهلوی از فعالان اصلاحات ارضی در ایران است که مؤلف در آن به چگونگی اصلاحات ارضی، تصویب این قانون و اجرا و روند آن در ایران می‌پردازد

از آنجایی که مؤلف خود از نزدیک شاهد بسیاری از وقایع و رخداد های سیاسی آن عصر و زندگی دکتر حسن ارسنجانی بوده، بنابراین بخش‌هایی از کتاب که برگرفته از خاطرات مؤلف است، از اهمیت بیشتری برخوردار است

معروف ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ش. ارسنجانی نیز از انتشار روزنامه محروم ماند.

ارسنجانی در دوران نخست وزیری اقبال به تشکیل مجدد «حزب آزادی» همت گماشت ولی در ۱۳۳۶/۵/۲۷ مسوق به تأسیس جمعیت آزادی شد.

او در دوران نخست وزیری علی امینی به سمت وزارت کشاورزی منصوب شد و در قضیه اصلاحات ارضی فعالیت پر دامنه و جنجالی از خود نشان داد. ارسنجانی هشت ماه بعد از عهده دار شدن پست وزارت کشاورزی، لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی را تهیه و به تصویب رساند و دوازده روز پس از مهلت قانونی در ۱۳۴۰/۱۲/۱۲ آن قانون را در مراغه اجرا کرد. ارسنجانی در دوران نخست وزیری اسدالله علم (۲۸ تیر ۱۳۴۱ ش) همچنان در سمت خود باقی ماند. اما عاقبت پس از هشت ماه همکاری با او به علت ناسازگاری علم از وزارت کشاورزی استعفا داد و به عبارتی دیگر برکنار شد.

ارسنجانی در ۱۷ فروردین ۱۳۴۲ به سفیری ایران در رم منصوب شد ولی پس از یک سال معزول و به تهران احضار گردید و سرانجام در ۱۰ خرداد ۱۳۴۸ ه. ش. مسموم گردیده و روز بعد در ۴۸ سالگی درگذشت.

معرفی کتاب

مؤلف اثر خود را در یک پیشگفتار و سه فصل به قرار زیر تنظیم کرده است:

۱. دکتر حسن ارسنجانی در آئینه زمان
۲. ارسنجانی و قوام السلطنه
۳. اصلاحات ارضی

مؤلف در پیشگفتار، انگیزه خود را از تألیف این کتاب عدم وجود کتابی مستقل راجع به شخصیت دکتر ارسنجانی دانسته و اقدامات او را عامل اصلی انجام این کار ذکر می‌کند.

در فصل اول: راجع به خانواده، تولد، دوران کودکی، رشد و تحصیل و آغاز فعالیت سیاسی ارسنجانی مطالبی را بیان می‌کند. سپس به ذکر اقدامات مهم و مبارزات سیاسی او یعنی تأسیس روزنامه داریا، تأسیس حزب آزادی، اصلاحات ارضی، ویژگی‌های اخلاقی و سرانجام وصیت نامه و مرگ او می‌پردازد.

در فصل دوم نگاهی گذرا به زندگانی سیاسی قوام السلطنه و مبارزات او و نحوه آشنایی ارسنجانی با قوام السلطنه دارد و ارتباط دوستی میان آنان را تشریح و نامه‌های قوام السلطنه به

ارسنجانی را عیناً ذکر می‌کند.

فصل سوم که موضوع اصلی کتاب حاضر است، با چگونگی پیدایش مالکیت‌های بزرگ و اصلاحات ارضی در جهان آغاز می‌شود. سپس مطالبی راجع به اصلاحات ارضی و سیستم کمون و نقش آن در کشاورزی چین، اصلاحات ارضی از نظر اقتصادی و حقوقی، ضرورت اجرای اصلاحات ارضی در ایران، سابقه تقسیم اراضی مزروعی در ایران، قانون اصلاحات ارضی و تقسیم املاک بزرگ بیان می‌کند. سپس به زمینه و سابقه تاریخی برنامه اصلاحات ارضی که در ۱۳۴۱ ش. آغاز شد و نتایج اصلاحات ارضی می‌پردازد. ارسنجانی اصلاحات ارضی را از نظر اجتماعی بزرگترین کار بعد از مشروطه و از نظر اقتصادی بزرگترین کار بعد از ملی شدن صنعت نفت می‌داندست و بر این اعتقاد بود که اجرای قانون اصلاحات ارضی را باید بر مبنای تکیه بر قدرت و امکانات مملکت پیش برد. او اجرای قانون اصلاحات ارضی را سبب شکل‌گیری طبقه متوسط در جامعه می‌داندست و معتقد بود که برای تحقق دموکراسی راهی جز مداخله روستائیان در امر انتخاب آزاد نیست و راه استقرار دموکراسی محوکامل فئودالیت است.

ارسنجانی مراغه را به عنوان طرح پیشاهنگ انتخاب کرد چرا که آذربایجان مهد مشروطیت بود. شاه در ظاهر با اقدامات ارسنجانی و اصلاحات ارضی موافق بود و از ارسنجانی قدر دانی می‌کرد ولی در باطن از او کینه به دل می‌گرفت زیرا ارسنجانی نزد مردم محبوبیت زیادی یافته بود و همین امر به شاه گران می‌آمد. در واقع شاه به دودلیل از اصلاحات ارضی حمایت می‌کرد: اول آن که حمایت از این قانون برای او اعتبار می‌آفرید و از سوی دیگر نفوذ و قدرت مالکان بزرگ را که رقیب خود می‌پنداشت، تضعیف می‌کرد. دولت آمریکا و در رأس آن رییس جمهورش یعنی کندی نیز از این قانون در ایران برای مقابله با نفوذ کمونیسم استفاده می‌کرد.

مؤلف در بخش‌های پایانی این فصل اصلاحات ارضی را از نظر مطبوعات مورد بررسی قرار می‌دهد و در تحریر اثر خود از روزنامه‌هایی چون «داریا»، «ستاره صبح»، «ستاره تهران»، «مردم‌مبارز»، «امید ایران» و کتاب‌هایی چون پاسخ به تاریخ، شاه و علم و خاطرات خود کمک می‌گیرد. از آنجایی که مؤلف خود از نزدیک شاهد بسیاری از وقایع و رخداد های سیاسی آن عصر و زندگی دکتر حسن ارسنجانی بوده، بنابر این بخش‌هایی از کتاب که برگرفته از خاطرات مؤلف است، از اهمیت بیشتری برخوردار است.